



بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع : حقوق متقابل والدین و فرزندان در تحقق حیات طیبہ

پژوهشگر : زینب تمیم سہری

رتبہ علمی: پایہ دوم سطح دو

مدراک: دیپلم

چکیده

واژه حیات در مقابل موت، به معنای زندگی و زنده بودن است و آن را نیروی رشد و حرکت و احساس نیز گفته‌اند. طیبه یا طیب به معنای پاک و پاکیزه و آن چیزی است که انسان به طور طبیعی به آن تمایل دارد. در مقابل خبیث و ناپاک که انسان از آن متنفر است، می‌باشد.

زندگی طیبه در حقیقت پیدایش حیاتی جدید و فوق حیات معمولی و ظاهری است، حیاتی برخوردار از نورانیت. حیات طیبه حیات طیبه، حیاتی جدید است، در همین دنیا حاصل می‌شود و آثار ویژه‌ای غیر از حیات ظاهری دارد. یکی از مهمترین بنیادهایی که بر زندگی فردی و اجتماعی فرد تاثیر به سزایی دارد بنیاد خانواده که متشکل از دو رکن اساسی والدین و اولاد می‌شود در صورتی که طرفین، حقوق متقابل خود را بشناسند و به آنها عمل کنند بستر را برای تحقق این مهم مهموار می‌سازند این حقوق که به وفور از آنها در قرآن کریم و سیرت و احادیث پیشوایان دینی ما ذکر شده می‌توان بصورت حقوق فرزندان، حقوق والدین، که شامل حقوق در زمان جوانی، در زمان پیری و حقوق بعد از مرگ، جمع بندی کرد.

کلید واژه: حیات، طیبه، حقوق والدین، حقوق فرزندان، خانواده.

مقدمه

در این مقاله ابتدا به چيستی حیات طیبه پرداخته شده و مفهوم آن بیان شده است. ویژگی کلی حیات طیبه بیان شده و آثار رسیدن به این نوع حیات بیان گشته است و سپس راه رسیدن به این حیات به صورت مختصر بیان شده، از آنجا که خانواده نقش مهمی در رسیدن به اوج حیات طیبه دارد در قسمت های بعد به حقوق فرزندان پرداخته شده از مهمترین حقوق فرزندان، فراهم نمودن زمینه تربیت صحیح توسط

والدین، گزینش نام نیکو، دعا برای نیک بختی فرزندان، نوازش فرزندان، تهیه رزق و روزی حلال، توسعه در امر معاش، ایجاد فضای پر نشاط، توجه به بازی کودکان، هدیه دادن، پرهیز از توقعات بی جا، بهداشت و سلامتی، ضرورت تربیت معنوی، توجه به خواسته ها، تقویت ارتباط کلامی، شکوفا کردن استعداد های فرزندان، پاسخ های مشفقانه، آموختن کمالات، پرورش حیا، آموزش علم و ادب، تعلیم قرآن، پرورش عشق اهل بیت علیهم السلام، ورزش و تفریحات سالم، انتخاب شغل مناسب، یاری کردن در ازدواج، موعظه و راهنمایی می باشد. و در آخرین قسمت این مقاله به حقوق والدین اشاره شده که از مهمترین حقوق والدین، نیکی به والدین، خوش رفتاری به والدین، پرهیز از تند خوئی، شاد کردن والدین، حفظ شخصیت والدین، بذل اموال، حق شناسی از والدین، اطاعت در مسیر حق، حفظ احترام در دوران پیری حقوق بعد از مرگ والدین شامل، زیارت مزار آنها، قرائت قرآن برای آنها، اعمال نیک به نیت پدر و مادر و پرداخت بدهی آنهاست.

پس می توان حقوق والدین را به بخش عمده زمان جوانی پدر و مادر زمان پیری و حقوق بعد از مرگ آنها می باشد.

چیستی حیات طیبه

برای درک چیستی حیات طیبه مناسب است اول دو واژه «حیات» و «طیبه» مفهوم‌شناسی شوند.

واژه حیات در مقابل موت، به معنای زندگی و زنده بودن است و آن را نیروی رشد و حرکت و احساس نیز گفته‌اند.^۱ حیات در نظر قرآن کریم اعم از حیات نباتی، حیوانی و انسانی است.

طیبه یا طیب به معنای پاک و پاکیزه و آن چیزی است که انسان به طور طبیعی به آن تمایل دارد. در مقابل خبیث و ناپاک که انسان از آن متنفر است، می‌باشد.^۲ بر این اساس، حیات طیبه در لغت به معنای زندگی پاکیزه و خالص از هر آلودگی است. مرحوم علامه طباطبایی در اشاره به این معنا می‌گویند: «علت اینکه چرا قرآن آن زندگی را با وصف طیب توصیف فرموده، چون حیاتی خالص است که خباثتی در آن نیست»

زندگی طیبه در حقیقت پیدایش حیاتی جدید و فوق حیات معمولی و ظاهری است، حیاتی برخوردار از نورانیت. این حیات، شکوفه شکوفایی مرتبه فائقه روح است که با اتصاف به ایمان و عمل صالح برای انسان پدید می‌آید. توضیح اینکه، در اندیشه قرآنی برای حیات، معنایی دقیق‌تر از آنچه به نظر ساده و سطحی انسان می‌رسد، می‌یابیم؛ چون در نگاه سطحی، حیات عبارت است از زندگی دنیوی از روز ولادت تا رسیدن مرگ، که دورانی است توأم با شعور و فعل ارادی که نظیرش یا نزدیک به آن در حیوانات نیز یافت می‌شود. لکن خداوند سبحان غیر از این زندگی دنیایی، زندگی دیگری را برای انسان مطرح می‌کند که نتیجه آن کمال وجود آدمی و تحقق بخشیدن اغراض روحی و معنوی انسان است. خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اجابت کنید خدا و رسولش را زمانی که شما را می‌خوانند بدانچه زنده‌تان می‌سازد، و بدانید که خدا حائل میان مرد و دل اوست، و اینکه به‌سوی او محشور می‌شوید»^۳

این آیه به‌روشنی از حیات برای کسانی که خود دارای حیات‌اند سخن به‌میان آورده است. طبیعتاً حیات موردنظر باید غیر از حیات معمول برای انسان‌ها باشد. شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «یکی از آیاتی که رسماً مردم را به دو دسته منقسم کرده است، دسته زندگان و دسته مردگان، و قرآن را عامل حیات و پیغمبر را محیی، یعنی حیات‌بخش و زنده‌کننده معرفی کرده است، آیه‌ای است که شاید صریح‌ترین آیات قرآن در این مورد است؛ می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ" ... می‌گوید این پیغمبر برای شما حیات و زندگی آورده است. شما الآن مرده‌اید، خودتان نمی‌فهمید؛ بیاید تسلیم این طبیب روحانی مسیحادم بشوید تا ببینید چگونه به شما زندگی می‌دهد»^۴

^۱ راغب، ۱۴۰۴، ص ۲۶۹

^۲ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۶۳

^۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (انفال، ۲۴)

^۴ مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۵، ص ۴۴۹

قبل از اینکه چگونگی تحقق حیات طیبه را مورد بررسی قرار دهیم، مناسب است به نکاتی توجه نماییم.

یک. حیات طیبه، حیاتی جدید است.

چنان که در مباحث قبلی بیان شد، حیات پاک مطرح شده در قرآن، حیاتی جدید است که سنخیتی با حیات طبیعی حیوانی ندارد.

علامه طباطبایی در تفسیر فقره شریف «فَلْنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» می نویسد:

«در جمله "فَلْنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً"، حیات به معنای القای جان در موجود و افاضه حیات به آن است. پس این جمله با صراحت لفظش دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی مؤمنی را که عمل صالح کند، به حیات جدیدی غیر آن حیاتی که به دیگران نیز داده، زنده می کند و مقصود این نیست که حیاتش را تغییر می دهد؛ آیه شریفه نظیر آیه "أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأُحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ" (انعام، ۱۲۲) که افاده می کند خدای تعالی حیاتی ابتدایی و جداگانه و جدید افاضه می فرماید ... و آیه "أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ" (مجادله، ۲۲) می باشد».^۵

دو. حیات طیبه در همین دنیا حاصل می شود.

با تدبر در آیه شریفه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلْنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۷) درمی یابیم که حیات معنوی و طیب مختص آخرت نیست، بلکه با تحقق شرایط در همین عالم حاصل می شود؛ زیرا از آنجاکه ایمان و عمل صالح از امور معنوی ای هستند که در همین عالم تحقق می یابند، به ناچار حیات طیبه مترتب بر ایمان و عمل صالح نیز در همین عالم محقق می شود. البته آثار این حیات معنوی در آخرت ظهور می یابد؛ چون آنچه خداوند از نعمت های معنوی به بندگان در آخرت عطا می کند، نتایج نعمت های معنوی عطاشده او در همین دنیاست؛ چنان که ذیل آیه کریمه که سخن از جزای نیکوتر از عمل در آخرت را مطرح نموده است، مؤید این بیان می باشد.^۶

امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: «اگر کسی با عمل توانست این قیود را بشکند و عمل ها را به عمل صالح واحد برگرداند و او را به ورد واحد ارجاع دهد، "فَلْنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً"؛ خدای فرماید: این عامل به عمل صالح را به زندگی طیب و طاهر زنده می کنیم. نه اینکه گمان کنی چنین کسی در این عالم در زندگی طیب و طاهر نیست؛ بلکه اگر عامل صالح شد، در این عالم زندگی طیب و طاهر پیدا می کند» (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۴۶۵).

سه. حیات جدید آثار ویژه ای غیر از حیات ظاهری دارد.

^۵ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۹۱

^۶ سعادت پرور، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۰۷-۴۰۶

شخص، به پدر و مادر خود دشنام دهد. پرسیدند: یا رسول الله! مگر کسی به پدر و مادر خود دشنام می دهد؟ فرمود: بلی. او به پدر و مادر دیگران دشنام می دهد و دیگران نیز متقابلاً به والدین او فحش و ناسزا می گویند.

۹- بذل اموال

فرزندان صالح و با ایمان بر این باورند که هستی آنان از پدر و مادر است و آنان علاوه بر این که وجودشان را در اختیار پدر و مادر قرار می دهند، در بذل اموال خود نیز به والدین هیچ گونه مضایقه ندارند. امام رضا علیه السلام در یک توصیه حکیمانه ای می فرماید: بر تو باد که از پدرت اطاعت کنی و به وی نیکی نمایی در مقابل او خضوع و تواضع کن و تکریم و تعظیمش نما سعی کن صدای خود را همیشه از صدای او پائین تر بیاوری، زیرا پدر اصل و ریشه تو است و تو شاخه ای از آن اصل هستی، اگر پدر نبود تو وجود نمی آمدی، پس برای پدر و مادرتان جان و مال و مقام خود را بذل کنید. در روایتی آمده است: انت و مالک لا بیک؛ تو و اموات برای پدرت می باشد.^{۴۸}

۱۰- حق شناسی از والدین

تشکر از ولی نعمت امری فطری است و عقلای عالم روی آن تأکید دارند. اساساً انسان از کسی که قدردان نعمت های داده شده نباشد خوشش نمی آید و او را فردی جاهل، بی ادب، بی فرهنگ، و دور از انسانیت قلمداد می کند و در مقابل شکر گزاری و قدرشناسی در میان عموم مردم امری پسندیده و مطلوب تلقی می شود. به همین جهت خداوند متعال با یاد آوری زحمات والدین، فرزندان را به حق شناسی و قدر دانی از آنان دعوت می کند و می فرماید: و وصینا الانسان بوالدیه حملته امه وهنأ علی وهن و فصاله فی عامین أن اشکر لی و لو الدایک الی المصیر (۲۳۹)؛ و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه ای را متحمل می شد)، و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می یابد؛ (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر بجا آور که بازگشت (همه شما) به سوی من است!

۱۱- اطاعت در مسیر حق

طبق دستور قرآن و اهل بیت علیهم السلام، باید از والدین اطاعت کرد. هم چنانکه امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: (فحق الوالد علی الولد أن یطیعہ فی کل شیء الا فی معصیة الله سبحانه) حق پدر بر عهده فرزند این است که از او در همه چیز اطاعت کند جز معصیت خدا.^{۴۹}

^{۴۸} المبسوط، ج ۶، ص ۱۹۱

^{۴۹} نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹

۱۲- در دوران پیری

یکی از علل نابسامانیهای اجتماعی جوامع صنعتی عصر ما متلاشی شدن نظام خانوادگی است که نه احترامی از سوی فرزندان وجود دارد، نه محبتی از سوی پدران و مادران، و نه پیوند مهر و عاطفه ای از سوی همسران. منظره دردناک آسایشگاههای بزرگسالان در جوامع صنعتی امروز که مرکز پدران و مادران ناتوانی است که از کار افتاده اند و از خانواده طرد شده اند شاهد بسیار گویائی برای این حقیقت تلخ است. مردان و زنانی که بعد از یک عمر خدمت، و تحویل فرزندان متعدد به جامعه در ایامی که نیاز شدیدی به عواطف فرزندان، و کمکهای آنها دارند، به کلی رانده می شوند، و در آنجا در انتظار مرگ روز شماری می کنند، و چشم به در دوخته اند که آشنائی از در درآید، انتظاری که شاید در سال یک یا دو بار بیشتر تکرار نمی شود! به راستی تصور چنین حالتی زندگی را برای انسان از همان آغازش تلخ می کند و این است راه و رسم دنیای مادی و تمدن منهای ایمان و مذهب. خداوند متعال با اشاره به حساسیت ها و ناملایمات دوران سخت پیری می فرماید: (و قضی ربک ألا تعبدوا الا اياه و بالولدين احسنأ اما یبلغن عندک الکبر أحدهما أو کلاهما فلا تقل لهما أف و لا تنهرهما و قل لهما قولاً کریماً) ^{۵۰}؛ و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیک کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو!

۱۳- حقوق بعد از مرگ

از دیدگاه فرهنگ و حیانی اسلام، پدر و مادر همچنان که در حال حیات خود حقوقی بر عهده فرزندان خود دارند همچنین بعد از مرگشان نیز حقوقی به عهده فرزندان دارند. برخی از آن حقوق به این شرح است:

الف - زیارت مزار والدین

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس قبر پدر و مادرش یا یکی از این ها را در هر جمعه زیارت کند و در کنار مزار آنان سوره یاسین بخواند در مقابل هر حرفی که از این سوره می خواند آمرزشی از سوی خداوند دریافت خواهد کرد. آن حضرت در گفتار دیگری به فرزندان که فقط به خاطر خدا به زیارت قبر والدین خود می روند، پاداش حج مقبول مژده داده و فرمود: کسی که قبر پدر و مادر و یا یکی از آن ها را با قصد قربت زیارت می کند. معادل یک حج پذیرفته شده ثواب برده است و هر کس پیوسته به زیارت قبر والدین خود برود ملائکه قبر او را زیارت خواهند کرد. ^{۵۱}

^{۵۰} سوره بقره آیه ۶۷

^{۵۱} کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۷۹

ب - قرائت قرآن برای والدین

قرآن کتاب آسمانی مسلمانان و آئین زندگی است و یک مسلمان وظیفه دارد که از دوران کودکی تا آخرین روز حیات خویش با این کتاب آسمانی آشنا شده و ارتباط همیشگی داشته باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: قرآن عهدنامه خداوند متعال برای تمام انسان ها می باشد، برای هر مسلمان شایسته است به این عهدنامه بنگرد و هر روز پنجاه آیه از آن را تلاوت کند. گرچه قرآن آئین زندگی و برای زیستن انسان ها نازل شده است، اما آیات نورانی آن برای مردگان نیز تأثیر دارد و ثوابی را که از این طریق عاید مردگان می شود در جهان آخرت در سرنوشت آنان دخیل است.^{۵۲}

ج - اعمال نیک به نیت پدر و مادر

یکی دیگر از وظایف فرزند بعد از مرگ پدر و مادرش این است که در جلب رضایت آنان و به خاطر شادی روحشان از انجام اعمال نیک دریغ نورزد، به این ترتیب که دوستان آنان را مورد احترام و محبت قرار دهد، نماز بخواند و ثواب آن را به پدر و مادر هدیه کند، برای آموزش آنان دعا نماید، اگر عهد و پیمان و قول قرار داده اند به آن وفا کند، در ادای قرض آنان سهل انگاری نکند، آشنایان و فامیل های پدر و مادر را دیدار نموده و از احسان به آنان مضایقه نکند و خلاصه هر کاری را که احساس می کند در راستای جلب رضایت پدر و مادر و شادی روح آنان است به نحو شایسته ای به انجام برساند.

د - پرداخت بدهی

برخی از فرزندان موقعی که والدینشان زنده اند به آنان احسان و نیکی نمی کنند، اما پس از وفاتشان بدهی آنان را می پردازند و از خداوند متعال برایشان طلب آموزش می نمایند. چنین فرزندانی از دیدگاه امام پنجم علیه السلام درباره والدین خود نیکو کار به شمار می آیند. و برخی دیگر در زمان حیات پدر و مادرشان نیکو کارند، اما بعد از مرگ آنان بدهی شان را نمی پردازند و برای والدین خود طلب آموزش نمی کنند، خداوند متعال چنین فرزندانی را عاق والدین و گنه کار می نویسد.

^{۵۲} کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۷۸

نتیجه گیری

۱. واژه حیات در مقابل موت، به معنای زندگی و زنده بودن است و آن را نیروی رشد و حرکت و احساس نیز گفته‌اند.
۲. حیات طویه حیات طویه، حیاتی جدید، در همین دنیا حاصل می‌شود و آثار ویژه‌ای غیر از حیات ظاهری دارد.
۳. مؤلفه‌های زمینه‌ساز تعالی معنوی و تحقق حیات طویه در انسان، شکوفایی عقل و خرد انسانی می‌باشد.
۴. اسلام معین فرموده، والدین، فرزندان خویش را در امر تربیت یاری نموده و برای پرورش خلاقیت های فرزندان و شکوفایی استعدادهای خدادادی آنان به حقوق اساسی فرزندان توجّه کنند.
۵. پدر مهم ترین رکن خانواده، مظهر قدرت، امنیت، قانون و رحمت در خانه است. اگر او نقش خویش را به شایستگی انجام دهد
۶. تأثیر مادر آن چنان مهم است که طبق متون دینی ما بخشی از عوامل نیکبختی و تیره بختی افراد مربوط به دوران بارداری مادر است.
۷. یکی از حقوق فرزندان فراهم نمودن زمینه تربیت صحیح در وجود فرزندان می باشد.
۸. افزون بر رعایت حقوق مادی و معنوی فرزندان، یکی دیگر از مهم ترین وظایف والدین، دعا برای نیک بختی و سعادت فرزندان است.
۹. پدر نیازهای روحی همسر و فرزندان را تأمین می نماید، باید با تهیه غذای حلال و توسعه در زندگی برای رشد سالم و صحیح جسمی آنان زمینه سازی نماید
۱۰. در آموزه های تربیتی اسلام همان طور که به مسائل معنوی و روانی فرزندان توجه شده، به مسائل بهداشت تن و سلامتی او نیز اهمیت داده شده است.
۱۱. در اندیشه اهل بیت علیهم السلام علاوه بر آموزش آداب و رفتارهای اجتماعی و اخلاقی، باید فرزندان را با نکات معنوی و تربیت دینی آشنا نمود
۱۲. والدین وظیفه دارند خصلت حیا و عفت را در فرزندان پرورش دهند.
۱۳. مهم ترین وظائف والدین را پرورش ادب در نهاد کودک می داند.
۱۴. از مهمترین حقوق فرزندان راهنمایی آنان توسط والدین است.
۱۵. نیکی به والدین، خوش رفتاری به والدین، پرهیز از تند خوئی، شاد کردن والدین، حفظ شخصیت والدین، بذل اموال، حق شناسی از والدین، اطاعت در مسیر حق، حفظ احترام در دوران پیری
۱۶. حقوق بعد از مرگ والدین شامل، زیارت مزار آنها، قرائت قرآن برای آنها، اعمال نیک به نیت پدر و مادر و پرداخت بدهی آنهاست.

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات مشهور، ۱۳۷۹.
۳. صحیفه سجادیه، ترجمه حسین انصاریان، چ ۴، تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۹.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۳، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق و مصحح: جمال الدین میردامادی، چ ۳، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.
۶. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تقریرات فلسفه، ج ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱.
۷. شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴.
۸. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۵، چ ۵، قم: اسراء، ۱۳۸۹.
۹. تفسیر موضوعی قرآن کریم (جامعه در قرآن)، جلد ۱۷، چ ۳، قم: اسراء، ۱۳۸۹.
۱۰. امام مهدی «عج» موجود موعود، چ ۶، قم: اسراء، ۱۳۸۹.
۱۱. تفسیر انسان به انسان، چ ۵، قم: اسراء، ۱۳۸۹.
۱۲. حر عاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه، ج ۱۵، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۷.
۱۳. حسینی طهرانی، محمدحسین، امام شناسی، ج ۱۶، بیروت: دار المحجّة البيضاء، بی تا.
۱۴. خوانساری، محمد بن حسین، شرح غرر الحکم، چ ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چ ۲، قم: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. سعادت پرور، علی، سر الاسراء، ج ۱، قم: منشورات مکتبه التشیع، ۱۳۷۴.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۸. فیض کاشانی، محمد بن محسن، الوافی، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی (ع) العامه، ۱۳۶۵.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج ۲، تهران: نشر نور، ۱۳۶۲.
۲۱. کافی، قم: دار الحديث للطباعة و النشر، ۱۳۸۷.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۲۴. مطهری، مرتضی، ج ۳، ۲۱-۲۲ و ۲۵، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۸.
۲۵. پاک نیا، عبدالکریم، حقوق متقابل والدین و فرزندان، ج ۱، انتشارات کمال الملک، ۱۳۸۲.